

سلام و پیام

هیئت اجرائیه بافرااد و واحدهای

نهضت آزادی ایران

و به وارد شوندهگان

هیئت اجرائیه به همه شما سلام می‌فرستد و سلامت و سعادت همگی و توفیق ملت ایران را برای آزادی و آبادی کشور از پروردگار جهانیان تمنا می‌نماید.

تقاضاها، پیشنهادها و اعتراضهائی شفاهی یا کتبی از افراد و واحدهای تشکیلاتی نهضت می‌رسد که مطالبه قاطعیت و رهبری بیشتر یا برنامه و بالاخره خوراک می‌نمایند، از ما می‌خواهند که آنها را: «جمع» و «گرم» کنیم.... جای بسی خوشوقتی است که افراد ملت و اعضاء نهضت دارای چنان رشد و عطش شده‌اند که طلب راهنمائی و رهبری می‌کنند، این خود امیدواری و سرمایه بزرگی برای حال و آینده کشور و تازیانهای برای بیداری و تحرک مسوولین است. ما هم تا اندازه‌ای دنبال این خواسته بوده و بیش از پیش هستیم.

اما یک نگرانی و ناراحتی نیز همراه دارد. این انتظار «گرم شدن» و خوراک گرفتن و رهبری یافتن قدری بوی همان چیزی را می‌دهد که هزاران سال ملت را بیکاره و بیچاره کرده است و نهضت درست در جهت خلاف و خراب؟ آن قدم برمیدارد. روحیه ایست مخالف مسلمانی و دموکراسی خصلت اتکالی بودن و طفیلی گری و قلدر پروری را بخاطر می‌آورد خصلتی که عاقبت آن خداپرستی خرافی غلط یا شاه پرستی می‌شود که بزرگترین مصیبت است. حتماً می‌خواهید که توضیح بدهیم:

ملاحظه کنید دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم - افراد مردم و ملتند که از درون معتقدات و تمایلات و احتیاجات خود افکار و خواسته هائی را بوجود می‌آورند و بعد افرادی را از میان خود به میل خود انتخاب می‌نمایند تا برونند از خلاصه و نتیجه آمال و اعمال ملت مقرراتی استخراج و وضع نموده مملکت را بر وفق آنها اداره کنند جریان امور دموکراسی مانند تشکیل ابرهاست که تولید و تصاعد بخار ابتدا از برگها و علفها و برکه‌ها و دریاها از پائین به بالا می‌باشد و سپس ابرها آنچه از بخارهای پراکنده در سطح و در فضا دریافت و متکاثف کرده‌اند بصورت باران بر صخره و صحرا می‌پاشند. آنجائی که جریان و فرمان از بالا به پایین باشد دیکتاتوری است، محو شخصیت است، هلاک انسانیت است.

نهضت آزادی ایران نیز مدعی است که نیرو و نیت را از آحاد و افراد دریافت دارد و بعد پس از ترتیب و تصفیه و تدوین عصاره، مطلوب مؤثری را بخود آنها برگرداند.

اگر انصاف داشته واقع بین باشیم خواهیم دید و خواهیم گفت که غالب افراد ملت ما قرنهای قرن برای خود ارزش و اثر و وظیفه‌ای قائل نبوده - آن روزگار که خود را مسلمان مقدس می‌دانستند انتظار همه چیز را از خدا داشته با صرف دعا می‌خواستند جلب روزی و راحتی و دفع ناخوشی و ستمگری را بنمایند در حالیکه در قرآن می‌خوانده‌اند (ولی نمی‌فهمیده اند) که (لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض) یعنی اگر خود مردم از خودشان رفع ظلم و فساد را ننمایند زمین (و مملکت) فاسد خواهد شد خداوند تا مردم عملی و حرکتی نکنند و تکان و تغییری در خود ندهند کاری برای آنها نمی‌کند (ان الله لایغیر ما بقوم حتی بغیر و اما بانفسهم). آنچه شخص بدست می‌آورد تنها حاصل زحمات و مکتسبات خود اوست (لیس للانسان الاماسعی) ۹.

آن زمان هم که در خواب راحت و غفلت فرو رفته بودیم و تمدن و استعمار غرب ما را لگدکوب و بیدار و هراسان کرد چنان خود را وحشت زده و دست بسته یافتیم که دیگر مبدأ و معاد هر مصیبت یا نجات را در آستانه غضب یا لطف پروردگار جدید سیاست جستجو کردیم و (میکنیم)

بدیهی است با جنین طرز فکر یعنی نخواستن و نجیبیدن و دائماً انتظار رحمت و تکلیف را از بالا داشتن اعم از خدا - سیاست خارجی - شاه - حاکم - مدیر کل - رئیس - ارباب و کدخدا بالاخره کار را به بی‌کاری و بی‌حالی و گدائی و فرمانبری و توسری خوری می‌کشاند.

در اثر همین طرز فکر است که دائماً می‌بینید اهالی شهرستانها چشمشان به مرکز است و از خود درصدد چاره جوئی و آبادی و عمران بر نمی‌آیند. مرکز هم چشمش به دولت است دولت به شاه و شاه هم... چه عرض کنیم. وقتی حزب یا جمعیت تشکیل می‌دهیم اولاً اکثریت افراد مردم استقبال گرم و قبول عضویت و مسوولیت نمی‌کنند. ترجیح می‌دهند از خارج تماشای باشند اگر خطری نبود اعلامیه‌ها را بخوانند و در میتینگها شرکت کنند و کف بززند و موقعی رسماً داخل آن دسته شوند که آنها از آسیاها افتاده خطرناک گذشته و موفقیت و موقعیتی تا مین گشته است و می‌توان درد دلها و شکایتها و درخواستها کرد و مقامها خواست. آن عده هم که داخل حزب می‌شوند غالباً و دائماً انتظار روزی و گرمی و رهبری را از واحدهای بالاتر دارند...

کار اینطور درست نمی‌شود و بار باین ترتیب بسته نمی‌گردد.

نهضت آزادی ایران نیز با چنین فکری تاسیس نشده است نه دولت و دستگاه و نه احزاب دولتی است که صاحب بودجه و زور و تشکیلات و وسائل بوده تا به هر کس کارونان و مقام بدهد و نه حزب توده است که مایه و پایه از خارج گرفته براساس یک سلسله مقررات و تجربیات حساب شده و ارتباطات بین‌المللی آماده بکار باشد و دستورهای پخته و پرداخته صادر کند - کاملاً برعکس است ضعف ما و نقش ما خود نشانه اصیل بودن و ایرانی بودن است، باید بحول و قوه الهی و با مساعی و سرمایه‌های خودمانی داخلی قوت و کمال بگیریم.

نهضت درست شده است که شما افراد بآن پایه و مایه بدهید اگر حاضرید بسم الله.

هیئت اجرائیه و شعب آن در وضع حاضر از افرادی تشکیل شده است که فرصت اندک دارند و همتشان از فرصتشان کمتر است - ادعای صلاحیت هم نمی‌کنند...

مسلم است وقتی نهضت می‌گوید دارای مسلک و راه و رسم معین و در مسائل فکری و اجتماعی و سیاسی صاحب نظر است نظرات و عقاید خود را جز از طریق تعلیم و تبلیغ نمی‌تواند شایع و رایج سازد و بنابراین تعلیم از بالا در جای خود وظیفه ایست بر عهده هیئت اجرائی و شعبه تعلیمات ولی خود می‌دانید که مکتب و مرام نهضت آزادی ایران چیزی نیست که در یک کتاب معین درج و یا بوسیله گوینده و یا نویسندگی در داخل و یا در خارج کشور بشکل منظور ما طرح شده باشد و این نیازمند مطالعه و دقت فراوان است تا بتدریج این مکتب مدون گردد. وظیفه واحدهای بالا باید بطور سلسله مراتب جمع آوری نظریات و اظهارات افراد و واحدهای پائین و بکار گماردن آنها بوده نظم و نظارت برقرار سازد و بعد خلاصه عصاره کننده آن نظریات و فعالیتها را بصورت تعلیمات و دستورات پخش کند.

از شما و منتخب شما باید باشند و اسباب کارشان باز خود شما هستید.

× × ×

حتماً می‌خواهید این مطالب و مراتب با تفصیل و مثال شرح داده شود یعنی بگوئیم نهضت از یک فرد عضو و از واحدهای تشکیلاتی خود چه می‌خواهد. بسیار خوب حوصله داشته باشید قدم به قدم جلو برویم.

۱- نهضت از یک فرد طرفدار می‌خواهد تقاضای عضویت بنماید و ورقه درخواست را پر کند با شهادت و صراحت اعلام پیوستگی و همکاری با ما (یا با هر جمعیت ملی اصیل ایرانی دیگر) را بنماید (البته اگر معتقد و طرفدار مرام و هدف

و نظام ما است و یا لاقلاً آنرا بهتر از سایرین و مزایای آنرا بیش از مضارش می‌داند) اشخاص ترسو و ملاحظه کار که حتی تا این حد حاضر به قبول زحمت و احتمال ضعیف ضرر و خطر نباشند بدر ما و بدر ایران نمی‌خورد. پی کار خودشان بروند و برای ما دلسوزی و اظهار نظر و انتقاد نکنند.

بالاخره باید حاصل قرن‌ها دو روئی و قایم موشک بازی یا باصطلاح زرنگی که نتیجه آن زبونی و بی‌سامانی امروزی است از این مملکت پاک شود... ایران به مردان صریح و صحیح احتیاج دارد.

نگویند که در مذهب ما تقیه سفارش شده است و شرط عقل کناره‌گیری از ضرر و خطر است. بلی عاقل‌های خودخواه نزدیک بین چنین بوده‌اند ولی عاقل‌های ارزنده شایسته که خداپرست و مردم دوست باشند عقل و نفس را در خدمت حق و خلق می‌گذارند اسلام نیز هیچگاه نگفته است کتمان یا انکار عقیده و مرام حق را بنمائید بلکه قرآن از کسانی که چون عقیده حق را علیرغم شکنجه و انتقام ابراز داشته و در آن راه استقامت ورزیده‌اند تجلیل می‌کند و می‌فرماید (وما نقموا منهم الا ان قالو ربنا الله ثم استقامو)

تقیه هیچوقت در مورد معتقدات اصولی و اعمال اساسی نبوده است بلکه دستور یکنوع گذشت و اغماض در جزئیات احکام شرعی در برابر مصالح عالی عمومی اسلامی و مخصوصاً استتار عمل مبارزه در برابر زورمندان بی‌انصاف است که اتفاقاً رویه احزاب مبارز سیاسی معاصر می‌باشد.

تصور نکنید همین مرحله قبول عضویت چیز کوچکی از لحاظ نهضت و مملکت باشد. باور کنید که پنجاه درصد کار است و نصف راه طی می‌شود. حرف حساب احزاب ملی و راه موفقیت ما مگر نه این است که بدانیم و بگوئیم اکثریت ملل یا لاقلاً جمعیت قابل ملاحظه‌ای دارای چنین فکر و عقیده‌ای هستند؟

مسئلاً آنروزی که نه تمام یا نصف بلکه عشر ملت ایران عضو رسمی ثبت نام کرده مستقیم یا غیرمستقیم جبهه ملی ایران باشند و جسارت ابراز آنرا بکنند کار اصلاح و نجات مملکت یکسره خواهد شد. با همین عمل ساده دهان خائنان و غاصبان خورد می‌شود و مزدوران راه فرار پیش می‌گیرند. بعلاوه تا ما نتوانیم روی یکعده افراد مطمئن و منظم حساب کنیم و ندانیم چند طرفدار عقیده‌ای داریم چه کاری می‌توانیم از پیش ببریم؟

بدیهی است که در این ابراز علنی و ثبت نام کردن احتمال محرومیت و خطر هست ولی خیلی ضعیف‌تر از آنچه بسیاری از مردم با وهم و وحشت خود مجسم می‌نمایند. اینها نمی‌دانند که خائن و غاصب مثل سگ است پارس می‌کند اگر ترسیدید و درر فتید حمله می‌کند و ممکن است پاچه بگیرد اما اگر ایستادید همانجا می‌ایستد و اگر شما سنگی برداشتید و یا بطرفش حمله کردید پیش از آنکه شما جلو بروید فرار می‌کند البته باز پارس و تهدید خواهد کرد. می‌ترساند ولی بیشتر می‌ترسد.

۲- در مرحله دوم پس از ثبت نام و دخول در نهضت و بدون آنکه از شما کاری خواسته شود پرداخت شهریه است. آخر اگر ما عضو نداشته باشیم و عضو شهریه نپردازد از کجا برای هزاران وظایفی که مردم و شما از ما می‌خواهید پول بیاوریم؟ یک اعلامیه دادن یک دفتر اجاره کردن و یا خانواده یک زندانی فداکار را از مرگ و رسوائی نگاهداشتن کم خرج دارد؟ آنهم در چنین شرایط سخت - بعلاوه اگر بناست نهضت کار اساسی و جدی بکند کارمندان حقوق بگیر و وسایل لازم دارد و خیلی خرج دارد.

میدانید که خداوند هم هر وقت در قرآن اسم نماز را می‌آورد کمتر جائی است که پشت سر آن نام زکوه نیاید (اقیمو الصلوه و آتوا الزکوه) ایمان خشک و خالی و عرض بندگی تنها فایده ندارد باید پول مایه گذاشت: (لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون).

کسانی که دائماً از ما خوراک می‌خواهند و انتظار خدمت و فداکاری دارند آیا خودشان مختصر شهریه ماهیانه را پرداخته‌اند و می‌پردازند؟

۳- پس از آنکه قبول علنی عضویت را کردید و شهریه مقرر مختصر را پرداختید اگر آماده خدمت هستید اولین وظیفه تشکیل اجتماع سه تا هفت نفری بنام حوزه و حضور مرتب در آن بر طبق اساسنامه است.

همین حاضر شدن سرساعت در حوزه - سلام کردن - دست همت و خدمت به سایرین دادن و بعد خداحافظی کردن و لو آنکه بدون برنامه‌ای باشد خود بسیار مؤثر و با ارزش است چه نظم و نیروی بزرگی که دشمن بداند افراد دلسوخته صورت برافروخته دست برافراشته ملت بر طبق برنامه منظم و صحیحی در نقاط پراکنده مملکت مرتباً همدیگر را می‌بینند و می‌فهمند و آمادگی خود را برای کوتاه کردن دست او اعلام می‌دارند.

نگوئید کار نیست برای چه برویم دور هم جمع شویم - وقتی دورهم جمع شدید کار درست و پیدا می‌شود و بعلاوه همین آشنائی و ارتباط و تمرین انضباط کار بزرگی است.

بحکم الخائن خائف و بدلیل اینکه آنها ده بار بیش از آنچه ما از آنها وحشت داریم مثل دزد از ما می‌ترسند روزی که از وجود چنین صف مستحکم و گروه غیرقابل تصرف مطلع شوند هنوز حمله‌ای نشده و جنگی در نگرفته پا بفرار خواهند گذاشت.

۴- تا اینجا عقیده بود و ایمان و سپس اظهار و حضور. از این به بعد اگر مرد آن هستید کار شروع می‌شود در خارج حوزه یا هسته دست به تبلیغ و تکثیر و تعلیم اعضاء زدن در حوزه یا هسته که جمع شدید با همدردی‌ها و همفکری‌ها و هم حزب‌های خود آشنا می‌شوید، عقد دوستی و برادری می‌بندید (کاری که رسول اکرم برای اولین بار در مدینه شروع کرد) به مشکلات و نظریات یکدیگر واقف می‌شوید و تا حد امکان به رفع دردها و حل مسائل و گرفتاریها می‌پردازید. از همه بالاتر تمرین تشکل و تعاون و تجمع را که ملت ما بسیار فاقد و بسیار بسیار محتاج به آن است می‌نمائید. مسوول یا مدیری از میان خودتان انتخاب و فرمانش را عهد می‌کنید.

فرض کنید که از بالا هیچ خوراکی نرسد و مرامنامه و اساسنامه نهضت و نشریات گذشته را هم یا قبلاً دیده یا خوانده‌اید - خودتان واحدی هستید زنده و رشید در حدود حوزه یا هسته به بحث و تبادل نظر می‌پردازید اگر اطلاعات و یا پیشنهادهایی دارید که مفید و موثر است توسط مسوول حوزه یا هسته به واحد بالاتر می‌فرستید شهریه‌های جمع آوری شده را نیز بوسیله او ارسال می‌دارید ضمناً هرگونه سابقه و آمادگی خدمتی را داشته باشید و کیست که واقعاً نداشته باشد اطلاع می‌دهید.

ملاحظه کنید این خود خوراکی است - خوراکی که آشپز اول آن خودتان هستید - حتما خوراکی از بالا رسیده یا می‌رسد. غیر از برنامه‌های بحث و گویندگی و نشریات که دیر یا زود می‌آید وظایف و تکالیفی معین و ابلاغ خواهد شد - البته شما تنها نیستید - واحدهای دیگری هم در عرض و طول شما هستند.

نهضت آزادی ایران درست نشده که اظهار آرزو و نظر بنماید و حرف و نوشته تحویل بدهد و تحویل بگیرد به موجب مرامنامه و اساسنامه عمل ما از اولین قدم و اولین واحد شروع می‌شود. برنامه‌های تأسیساتی و عملی داریم و می‌خواهیم آن کارهایی را که ملت بدست خود و دولت منتخب خود باید در مملکت بکند و حالا خارج از اختیار و انتفاع اوست خود بصورت واحدهای کوچک و به قیاس البته ضعیف شروع نماید تا به یک کرشمه سه کار بشود: مشغولیتی و مخصوصاً خدمتی باشد - تمرینی و تربیتی برای کاردانی و همکاری باشد و بالاخره مسیر طبیعی و تدریجی در جهت احراز قدرت و تصرف دولت از داخل ملت و از پائین باشد.

نهضت می‌خواهد (و یقین دارد که این کار شدنی است و نمونه‌هایی از آن اجرا شده است) که در هر گوشه و کناری از پایتخت و شهرستانها و دهات مردم آشنا و دوست گرد یکدیگر جمع شده آن اعمالی را که انفراداً انجام می‌دهند و یا انتظار دارند دولت‌ها و قدرت‌ها مجاناً انجام دهند دستها و پولهایشان را روی هم بگذارند و با همکاری یکدیگر اجتماعاً انجام دهند. مثلاً باشگاه ورزشی و تفریحهای سالم ترتیب دهند - کلاس و آموزشگاه و روزنامه درست کنند -

اتوبوسرانی و حمل و نقل محل خود را اداره نمایند - دست به کارهای عمرانی و انتفاعی بزنند - صندوقها و مؤسسات تعاونی و خیریه راه بیاندازند - همکاران باهم شریک شوند شرکتهای و اتحادیهها تاسیس نمایند..... الی غیر النهایه.....

البته این کارها آسان و فوری نیست. سهل است زحمت و در دسر هم دارد - خوی انفرادی و طبع بدگمانی و انزواطلبی ایرانی ترجیح می‌دهد در گوشه‌های آقا و نوکر خود باشد و گرفتار اختلافات و اشکالات اجتماعی نشود. درست است ولی اگر می‌خواهیم از این عقب افتادگی‌ها و ناتوانیها و توسریخوریها خلاص شویم. با دنیا همراه و همدوش باشیم ناچاریم اول با خودهامان همراه و همکار شویم. کارهای دنیای امروز خیلی بیش از دنیای دیروز با اتحاد و ارتباط و اجتماع انجام می‌گیرد و تقریباً بکلی از صورت انفرادی و حتی ملی خارج است. چه امور اقتصادی و نظامی چه علمی و اداری. در امور دینی هم که از اول به ما دستور داده‌اند نمازتان را به جماعت انجام دهید - هفته‌ای یکبار تمام اهل ناحیه یا شهر در نماز عبادی و حکومتی جمعه شرکت کنید - لااقل عمری یکبار اگر پول دارید در خانه خدا تمام مسلمانان جمع شوند و بالاخره برای خاطر همدیگر به دفاع و جهاد پردازید.

باید دندان روی جگر گذاشت و خودخواهی و راحت طلبی را کنار گذاشت با حسن ظن و قصد خدمت با همدستی سایرین به اقدامات عملی اصلاحی و انتفاعی اجتماعی پرداخت. نتیجه نهائی مسلماً موفقیت و برکت و لذت است.

۴- از مرحله فرد و عنصر تشکیلاتی نهضت که حوزه است بالا آمده به هسته می‌پردازیم. هسته اگر مطابق اساسنامه تشکیل شود حتماً بیکار نیست. اعضای آن چون مسوولین منتخب حوزه‌ها هستند و حامل نظریات آنها هستند حرفه‌ای و کارهائی دارند پولهائی باید بدهند و ماموریتی و رئیسی انتخاب نمایند. این البته در صورتی است که از بالا خوراک به آنها نرسد. می‌توانند با شنیدن و مقابله کردن اطلاعات و نظریات حوزه‌ها و ابتکارهای خودشان اطلاعات و نظریات تصفیه شده‌ای و اقدامهای خود و صدور دستورهای تعلیماتی و تاسیساتی به حوزه‌ها بکار برند.

ولی به احتمال قوی از واحد بالاتر نیز اطلاعات و دستورات می‌رسد و هسته را مامور وظایف و واقف به مطالبی می‌نماید. طبیعی است وقتی از طرف عناصر تشکیل دهنده پشتیبانی و قبول عضویت صریح ابراز شد و پول فرستاده شد و اطلاعات مفید تهیه گردید واحدهای بالا خواهند توانست عملی انجام دهند و دستور وسیله‌ای در اختیار بگذارند.

۵- سلسله مراتب واحدهای بالاتر را می‌دانید: انجمن‌های محلی و صنعتی و شهرستان و غیره است تا برسد به شورای استان با هیئت عامله آن و بالاخره هیئت اجرایی و شورای مرکزی و شورای عمومی نهضت. لابد می‌خواهید بدانید خوراکها و دستورهای که خواهند داد و رهبری که خواهند کرد از چه قبیل است؟:

الف - همین نظم و نسق امور و صورت تشکیلاتی دادن و مطالبه اوراق و وجوه و گزارشهای کارها.

ب - ترتیب و تنظیم برنامه‌های تاسیساتی برحسب پیشنهادها و امکانات واحدهای کوچکتر و پخش کردن تعلیمات و راهنماییها و احیاناً کمک‌های مادی.

ج - بخشنامه‌های تعلیماتی و اطلاعاتی فکری و اجتماعی و تجزیه و تحلیل‌های سیاسی به منظور روشن کردن افکار و اذهان و صدور اعلامیه‌ها و نشریات که خود افراد و واحدها در تهیه آنها شرکت داشته‌اند و پخش می‌کنند.

د - دستورهای معین و اعتراضها و تظاهرات عمومی قانونی بصورت مقاومت‌های منفی و قیامهای ملی علیه خلافها و خیانتها.

ه - مشارکت در اجتماعات و انتخابات و هرگونه اقدامهای مثبت و حرکت‌های تعرضی و اعمال اداری که وظیفه دینی و قانونی و انسانی ما ایجاب نماید.

× × ×

بدیهی است که حکم (لا یكلف الله نفسا الا وسعها) در تمام این مراحل برقرار است. نهضت از شما چیزی جز ممکنات خودتان باقتضای دیانت و شرافت و آزادمردی نمی‌خواهد. ممکناتی که اول آن اعلام عضویت یعنی دادن نام سپس دادن مال و در مراحل نهائی دادن جان است برحسب سرمایه ایمانی و عشق و شوری که دارید یا دارا شوید. شما هم از هیئت اجرائیه و از مسوولین چیزی جز امکانات آنها نخواهید. امکاناتی که یک جز از آن را دارند و قسمت اعظم آنرا شما در اختیارشان می‌گذارید. مایه و نیرو باید از خودتان برخیزد تا بشما برگردد. وقتی خدا در قرآن می‌گوید (ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم) اگر خدا را یاری کنید شما را یاری کرده ثابت قدم می‌گرداند. ما که چنین ناتوان و نادانیم چه می‌توانیم بگوئیم و بکنیم؟! خلاصه آنکه بدانید سازنده ورنه نیرنده و گرداننده نهضت همانا نیت و همت شما و افکار و اعمال خودتان است. بفرموده حضرت مسیح علیه السلام بزرگ شما نوکر شما است.

× × ×

اگر باین ترتیب و بر طبق طرز فکری که اساسنامه نهضت را بوجود آورده است عمل شود جنبش ملت بجای آنکه یک تموج سطحی و تاثیر از بالا باشد مانند غلیان آب که از زیر و از داخل سرچشمه می‌گیرد یک جنب و جوش درونی و عمومی در جمیع جهات خواهد بود بطوریکه جلوگیری مخالفین ممتنع و نجات ایران مسلم خواهددشد. هیئت اجرائیه از خدا می‌خواهد امکان و افتخار خدمتگزاری را نصیبش سازد.

نهضت آزادی ایران

تهران دیماه ۱۳۴۱